



## بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش - 19 / بهمن / 1400

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، دوستان خوب نیروی فعال و پُرتحرک هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران! شرایط نامساعد کرونا نگذاشت که ما آن طوری که مایل بودیم این جلسه را برگزار کنیم. دوست میداشتیم جمع بیشتری از شما عزیزان را اینجا ملاقات کنیم و راحت‌تر و بهتر صحبت کنیم، منتها من مقیدم به شیوه‌نامه‌هایی که پزشکان اعلام میکنند؛ بنده تقید دارم، یعنی وظیفه میدانم برای خودم که آنها را عمل کنم، و عمل میکنم؛ اصرار روی ماسک دارند؛ و نوبت سوّم تزریق این واکسن را هم من انجام داده‌ام؛ البته مدت‌ها قبل -چند ماه قبل این کار را [انجام دادم]- یعنی هر آنچه پزشکان محترم مصلحت بدانند، لازم بدانند، بنده مقیدم که انجام بدهم. توصیه هم میکنم به مردم عزیزمان که به حرف متخصصین و صاحب‌نظران این رشته توجه کنند و گوش کنند و آنچه آنها صلاح میدانند و لازم میدانند انجام بدهند. به هر حال جلسه به این شکلی که امروز هست، تشکیل شد. خیلی خوش آمدید؛ امیدواریم که ان شاء الله خداوند همه‌ی شما را موفق بدارد.

خب، ایّام ماه رجب است. اوّلین عرض من به شما این است که قدر این ماه را و این روزها را بدانیم؛ ماه رجب، ماه توسّل است، ماه تضرّع است، ماه دعا است، ماه تصفیه‌ی روانی و معنوی است؛ دلها را به خدا باید نزدیک کرد؛ بخصوص جوانهای شما، جوانهایی که در جلسه و در سطح نیرو هستند. به این تقویت ارتباط با خداوند همه‌ی ما احتیاج داریم؛ در لحظه‌لحظه‌ی عمرمان به این تقویت ارتباط با خدا احتیاج داریم و این ایّام ماه رجب متناسب با این [احتیاج] است و زمینه‌ی فیوضات الهی و فیوضات معنوی است.

خب امروز روز نوزدهم بهمن است؛ یعنی روز بیعت شگفتی‌ساز نیروی هوایی؛ روز یک حرکت تاریخی و نقطه‌ی عطف از سوی نیروی هوایی. شاید از نسل کنونی نیروی هوایی هیچ کس در آن روز حاضر نبوده؛ بسیاری از جوانها که آن روز شاید به دنیا هم نیامده بودند ولیکن معتقدم که همه‌ی آن کسانی که امروز در نیروی هوایی با احساس مسئولیت کار میکنند، در آن اعلام پیوستگی شریکند؛ همین شماها که آن روز هم نبودید، یا شاید در نیرو نبودید -یعنی اغلب سابقه‌ی کاری‌تان هم این مقدار نیست- لکن در آن حرکتی که آن روز انجام گرفت، در افتخار آن روز و در فضیلت آن روز شریکید؛ چرا؟ برای خاطر اینکه آن روز آن جوانهایی که آمدند -افسر و درجه‌دار و عمدتاً همافران- و در آن جلسه و در آن دیدار عجیب شرکت کردند و بیعت کردند، این بیعت، بیعت با شخص نبود؛ این بیعت، بیعت با هدفها بود، بیعت با آرمانها بود؛ بیعت با آن جهاد مقدّسی بود که امام فرمانده مقتدر آن جهاد بود. اینها آمدند نیروی هوایی را آوردند زیر چتر این فرماندهی مقتدر و با عظمت و شگفتی‌آفرین. این کار یک کار معنوی بود، لذا این کار جریان دارد؛ این کار یک قضیه‌ای نبود که حالا آن روز اتفاق افتاد و تمام شد؛ نه، این کار در جریان است. هر کس در هر دوره‌ای در مسیر آن آرمانها حرکت کند، در واقع در این حرکت سهیم و شریک است. بنابراین، شما هم جزو کسانی هستید که از افتخارات نوزدهم بهمن بهره‌مند هستید.

حرکت آن روز نیروی هوایی ضربه‌ی آخری بود که بر پیکر پوسیده‌ی رژیم پهلوی وارد شد و خیمه‌ی منحوس رژیم



پهلوی را خواباند، نابود کرد. این حرکت، حرکت تأثیرگذاری بود؛ بسیار تأثیرگذار بود این حرکت. همان روز امام (رضوان الله علیه) در صحبتشان خطاب به همان جمعی که آمده بودند (۲) فرمودند که شما ارتش را آزاد کردید، ارتش را از خدمت طاغوت به خدمت اسلام درآوردید؛ تا امروز در خدمت طاغوت بودید، حالا آوردید در خدمت امام قرار دادید. آنها شعار میدادند «ما همه سرباز توایم»، امام فرمودند شما سرباز امام زمانید، سرباز قرآن و اسلام هستید و آمده‌اید در این راه دارید حرکت میکنید. واقعش هم همین بود.

چند نکته در این زمینه وجود دارد. یک نکته این است که این حرکت، نیاز لحظه بود. من روی این قضیه خیلی تکیه میکنم و بارها تکیه کرده‌ام. (۳) ما همیشه باید در کارهای خودمان نیاز لحظه را درک کنیم. یک کارهایی وجود دارد که شما اگر الان انجام دادید، این به هدف اصابت میکند؛ همین کار را اگر چنانچه در غیر این وقت انجام دادید، آن فایده را ندارد. باید تشخیص داد که نیاز لحظه چیست؛ شما همیشه این کار را میتوانید انجام بدهید. [مثلاً] در نیروی هوایی، ببینید امروز نیروی هوایی به چه کاری نیاز دارد، آن کار را در لحظه انجام بدهید. به نظر من یکی از مهم‌ترین کارهای هوشمندانه‌ی آن جمع این بود؛ و الا اگر چنانچه آنها میگذاشتند مثلاً فرض کنید که ده روز بعد، بیست روز بعد این کار را انجام میدادند، اصلاً این اثر را نداشت؛ آن روز این اثر را داشت؛ نیاز لحظه را تشخیص دادند. این درسی است برای ما.

یک نکته‌ی دیگر [که نکته‌ی عبرت‌آموزی است و از این هم بایستی عبرت گرفت و درس آموخت، این است که در این حرکت نیروی هوایی، رژیم طاغوت از جایی ضربه خورد که گمانش را نداشت، محاسبه نمی‌کرد که از اینجا ضربه بخورد. مثل همان که در قرآن و در سوره‌ی حشر در مورد قبایل یهود [آمده]: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا»؛ (۴) از جایی که خیال نمی‌کردند، خدای متعال به اینها ضربه را وارد کرد؛ این جوری بود. از دستگاه رژیم طاغوت، کسی خیال نمی‌کرد که از ارتش، آن هم از نیروی هوایی ارتش ضربه بخورند. اینها روی نیروی هوایی ارتش خیلی سرمایه‌گذاری کرده بودند. حامیان آمریکایی‌شان هم تعجب کردند. آمریکایی‌ها هایزر (۵) را که یک ژنرال آمریکایی بود و آن روز نفر دوّم ناتو بود، فرستادند به تهران برای اینکه بیاید اینجا ارتش را جمع‌وجور کند و با هر وسیله‌ای هست، با یک کودتای خونین، نگذارد که رژیم ساقط بشود؛ یعنی او تصمیم گرفته بود که اگر لازم شد، صدها هزار نفر را در تهران به قتل برساند؛ یعنی هایزر با این نیت آمده بود تهران که البته ناکام شد و بدبخت شد و برگشت رفت. این هایزر در خاطراتش مینویسد -من البته خودم ندیدم این کتاب را، برای من نقل کردند- که نیروی هوایی جایی بود که ما حتی انتظار کمترین ناآرامی را در آن نداشتیم؛ زیرا از نظر فرماندهی و آموزش با آمریکا ارتباط نزدیکی داشت. شاید خیلی از همان کسانی که آن روز در آن جریان عظیم تاریخی شرکت کردند، عمدتاً کسانی بودند که تحصیلاتشان در آمریکا انجام گرفته بود و آنجا با فرهنگ آمریکایی آشنا بودند؛ اما اینها از آنجا ضربه خوردند. خب این نشانه‌ی این است که وعده‌ی الهی صادق است؛ خداوند فرمود: *إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. وَ أَكِيدُ كَيْدًا*؛ (۶) دشمنان ترفند می‌زنند، و من هم در مقابلشان به آنها ترفند می‌زنم. در یک جای دیگر [میفرماید]: *فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ*؛ (۷) در قضیه‌ی جبهه‌ی حق و باطل، جبهه‌ی باطل است که ضربه می‌خورد؛ و همیشه همین جور است؛ یعنی در این قضیه، محاسبات آمریکایی‌ها غلط از آب در آمد؛ یعنی آنها روی نیروی هوایی ارتش طاغوت یک محاسبه‌ای کرده بودند، این محاسبه غلط از آب در آمد؛ فکرش را نمی‌کردند که این جوری [از آب] در بیاید.

من این را میخواهم بگویم که هر جایی که نیروی حق، نیروی اسلام در مقابل کفر وارد میدان بشود، دشمنان با همه‌ی جلال و جبروت ظاهری که باطن و مغز ندارد در محاسباتشان اشتباه میکنند؛ همیشه همین جور است. در



مورد خود انقلاب همین جور است دیگر؛ هم در اوّل [انقلاب] این اتفاق افتاد، هم در این چهل و چند سال همین جور اتفاق افتاده که همیشه محاسبه کردند، همیشه فکر کردند که ضربه‌ی آخر را دارند میزنند، [اما] خودشان ضربه خوردند. اگر شما در میدان جهاد - هر جهادی؛ در هر دوره‌ای یک جور جهاد لازم است؛ جهاد نظامی داریم، جهاد علمی داریم، جهاد تحقیقاتی داریم؛ همه جور جهادی - حضور داشته باشید و فعال باشید، دشمن را شکست خواهید داد؛ چرا؟ چون خدای متعال این جور قرار داده که محاسبات دشمن غلط از آب در می‌آید، درست نمیتواند محاسبه کند، درست نمیتواند برآورد کند. امروز خود آمریکا هم دچار این مشکل «فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا» است؛ امروز آمریکا از جایی دارد ضربه میخورد که اصلاً هرگز این را محاسبه نمیکرده. امروز دو رئیس‌جمهور آمریکا، [یعنی] رئیس‌جمهور قبلی (۸) و رئیس‌جمهور فعلی، (۹) دست به دست هم داده‌اند که تتمه‌ی آبروی آمریکا را ببرند! و دارند میبرند؛ او یک جور، این یک جور؛ این را محاسبه میکردند؟ به این فکر میکردند؟ روزبه‌روز خودهاشان دارند خودشان را تضعیف میکنند و این ادامه خواهد داشت. بنابراین این هم نکته‌ی مهمی است که بدانیم اگر شما در میدان حضور داشته باشید، زنده باشید، فعال باشید، با امید تلاش کنید، قطعاً غلبه و پیروزی و پیشرفت با شما است.

یک نکته‌ی دیگر این است که کسی خیال نکند که حرکت آن روز این جوانها بر اساس احساسات زودگذر و هیجانی بود؛ این جوری نبود. بله، احساسات قطعاً در این کارها دخیل است لکن پشت داشت، عمق داشت، هدایت شده بود. حالا بنده که خاطرات زیادی در این زمینه دارم لکن نشانه‌ی عمقش این است که این حرکت در نیروی هوایی ادامه پیدا کرد؛ اگر یک حرکت دفعی بود ادامه پیدا نمیکرد. این حرکت در نیروی هوایی ادامه پیدا کرد. در همان اوایل پیروزی انقلاب، حرکت این واحد جهاد خودکفائی نیروها در نیروی هوایی به وجود آمد، [در حالی که] هنوز هیچ جای ارتش و هیچ جای کشور، هیچ سازمانی جهاد خودکفائی نداشت؛ بچه‌ها و جوانهای متدیّن و انقلابی نیروی هوایی، جهاد خودکفائی را تشکیل دادند و از همان روز اوّل شروع کردند به کار کردن و تلاش کردن که تا امروز خب کارهای بزرگی هم انجام گرفته. غیر از این، نیروهای جهادی نیروی هوایی، در خود نیروی هوایی کارهای بزرگی را انجام دادند.

جزو اوّلین کارهایی که در سال ۵۸ انجام گرفت، خنثی کردن توطئه در پایگاه تبریز بود. آن وقت شهید فکوری فرمانده پایگاه تبریز بود؛ در پایگاه تبریز یک توطئه‌ای راه افتاد، حتی آن افراد اخلاک‌گر، این شهید را هم به یک نحوی محاصره کرده بودند، شبیه دستگیر کردن؛ بچه‌های انقلابی خود نیرو بدون اینکه از جایی کمک بخواهند، رفتند آنها را متفرق کردند و شهید فکوری را برداشتند آوردند تهران؛ این جزو مسائل اوایل سال ۵۸ است.

در قضیه‌ی کودتای پایگاه همدان - پایگاه شهید نوژه - آن کسی که موجب شد این کودتایی که همه چیزش آماده بود - همه‌ی جزئیات این کودتا را به کمک آمریکایی‌ها محاسبه کرده بودند - خنثی بشود، یک افسر جوان بود که آمد اطلاع داد و بلافاصله دستگاه‌های مربوط به این کار - بچه‌های سپاه و بچه‌های امنیتی و بچه‌های [امثال] اینها - به کار افتادند، توطئه را خنثی کردند و کودتا را از بین بردند. خود بچه‌های نیروی هوایی این کار را [کردند]؛ یک افسر جوان، یک خلبان جوان آمد اطلاع داد. یعنی خود بچه‌های نیرو، خود نیرو این کار را انجام داد. در مسائل دیگر هم همین طور.

در اوّل دفاع مقدّس، در همان روزهای اوّل دفاع مقدّس برجسته‌ترین کار را نیروی هوایی ارتش کرد؛ یعنی



سورتهای پروازی که در ظرف چند روز از طرف نیروی هوایی انجام گرفت، بی‌نظیر بود. بنده آن وقت نماینده‌ی مجلس بودم و نماینده‌ی امام در نیروهای مسلح هم بودم. رفتم مجلس گزارش دادم، همه از اهمیّت این گزارش متحیر ماندند. در ظرف سه چهار روز چندصد سورتهای پرواز از طرف نیروی هوایی ارتش انجام گرفت. دستگاه‌های دیگر، مجموعه‌های دیگر هنوز درست به خود نیامده بودند که اصلاً چه خبر است و چه کار باید بکنند؛ اول، نیروی هوایی وارد شد.

اینها استمرار همان حرکت اول است. اینکه من می‌گویم این حرکت، حرکت هیجانی نبود، به خاطر این است که این حرکت استمرار پیدا کرد و ادامه پیدا کرد در داخل نیروی هوایی. آن وقت همین روحیه و بصیرت موجب میشود که هم در نیرو و هم در کل ارتش، شهیدان برجسته‌ای چهره‌ی خودشان را بنمایانند: شهید صیّادشیرازی، شهید بابایی، شهید ستاری، شهید کلاهدوز و امثال اینها و هزاران شهیدای دیگر -حالا برجسته‌هایشان [اینها هستند]؛ افراد زیادی هستند که برجسته‌اند -حتی در داخل ارتش، کسانی از افسران دوران طاغوت هم در صف شهدا قرار بگیرند؛ [مانند] شهید فلاحی. فلاحی سرتیپ ارتش دوران طاغوت بود، اما وضع انقلاب و وضع ارتش و آن تحوّل عظیم موجب شد که شهید فلاحی بشود «شهید»؛ شهید فلاحی. شهید فکوری همین جور؛ اینها افسرهای ارشد قبل از انقلاب بودند. خب، پس این، بصیرت بود. این که موجب شد این جمع بیایند آن کار بزرگ را، آن بیعت تاریخی را انجام بدهند، یک عمقی وجود داشت، بصیرتی وجود داشت که این کار انجام گرفت.

حالا عامل این بصیرت چه بود؟ چرا دیگران این بصیرت را نداشتند؟ عوامل گوناگونی را برایش میشود فرض کرد، اما احتمالاً یک عامل عمده‌ی این بصیرت این بود که بچه‌های نیروی هوایی از نزدیک شاهد دیکتاتوری مستشاران آمریکایی و تسلط آنها بودند. [در] هیچ جای ارتش نیروهای آمریکایی این جور تسلطی [نداشتند]؛ ده‌ها هزار مشاور بودند دیگر؛ نزدیک پنجاه هزار مستشار نظامی در ایران بود؛ اینها در نیروی هوایی لانه کرده بودند؛ حالا تسلطشان، تحقیر کردن فرماندهان، به حساب نیاوردن عنصر ایرانی -اصلاً به حساب نمی‌آوردند؛ با درباری‌ها ارتباط داشتند و اصلاً اینها را حساب نمی‌کردند -تجهیزات را می‌فروختند، اجازه‌ی شناخت این تجهیزات را به عناصر فتنی نمیدادند؛ نه به افسرهای فتنی و درجه‌دارهای فتنی و نه به همافرها که مخصوص این کار بودند، اجازه‌ی شناخت ابزار را نمیدادند، اجازه‌ی تعمیر قطعات یدکی را نمیدادند. قطعه‌ی یدکی را که متشکل از چندین قطعه بود، نمی‌گذاشتند باز بشود؛ سوار هواپیما میکردند میبردند آمریکا، عوض میکردند، یکی دیگر می‌آوردند، پولش را بر میداشتند؛ یعنی این جور تحقیر میکردند ایرانی را. [اینها] از نزدیک شاهد این بودند. حالا فسادهای اخلاقی هم وجود دارد که آنها گفتنی نیست؛ کارهای عجیبی که آنها داشتند که واقعاً یک داستان غم‌انگیزی است حضور آمریکایی‌ها در ارتش.

خب اینها را جوانهای ما احتمالاً نمیدانند که آمریکا و انگلیس بارها از ارتش ما برای سرکوب ملت‌های دیگر استفاده کردند؛ از جمله در ویتنام. هواپیماهای ما را بردند ویتنام که ویت کنگ‌هایی (۱۰) را که با آمریکای مهاجم، با آمریکای متجاوز مبارزه میکردند، در جنگ‌های ویتنام بمباران کنند؛ این جوری بود. جاهای دیگر هم بود. حتی گفته شد برای من -که البته من این را از نزدیک اطلاع ندارم- که سندهای موثقی وجود دارد که فانتوم‌های ایران در اختیار رژیم صهیونیستی هم قرار می‌گرفتند؛ خب چه استفاده‌ای می‌خواست بکند؟ لابد برای سرکوب فلسطینی‌ها دیگر، یا برای مقابله‌ی با دولت‌های آن روز مقاومت عرب، دولت‌های مصر و سوریه و امثال اینها دیگر؛ یعنی دستگاه‌هایی که متعلق به ایران و به اسلام بود، در خدمت آمریکا و اهداف آمریکا برای سرکوب مظلوم و کمک به ظالم مورد استفاده قرار میگرفت. خب اینها مسائل واقعاً مهمی است که باید دانست. حالا خیانت‌های رژیم پهلوی



یکی دو مورد که نیست، اما این هم یکی از قلم‌های مهمّ خیانت‌های رژیم است؛ هم خیانت به ارتش بود، هم خیانت به ملت بود - چون سرمایه‌های ملت را صرف خدمت به آمریکا میکردند - هم جنایت در حقّ ملت‌های مسلمان دیگر بود.

مطلبی که من بیشتر میخواهم روی آن تکیه بکنم و توجّه شما و دیگرانی که این صحبت را می‌شنوند جلب کنم، «جهاد تبیین» است که من این را مکرّر تکرار کرده‌ام. (۱۱) من میخواهم بگویم آن روز که این حرکت تاریخی نوزدهم بهمن در برابر امام انجام گرفت، اگر آن عکسی که از این واقعه منتشر شد منتشر نمیشد، یعنی این کار تبیینی اگر انجام نمیگرفت، این حادثه نه این جور ماندگار میشد، نه اثرگذار میشد؛ یک حادثه‌ای بود مثل حوادث فراوان دیگری که اتفاق می‌افتد و فراموش میشود. عامل ماندگاری و اثرگذاری این حادثه عبارت بود از همان قاب تصویر هنرمندانه‌ای که از این منتشر شد؛ تبیین، این است، تبلیغ کردن و نشان دادن، این است. به برکت یک کار محدود و کوچک رسانه‌ای - آن روز امکانات رسانه‌ای مثل امروز نبود، خیلی محدود بود - یک حرکت مثل حرکت بیعت نیروی هوایی در روز نوزدهم بهمن میشود تاریخ‌ساز، میشود ماندگار، میشود اثرگذار، میشود تحوّل‌بخش؛ مسئله‌ی «روایت درست» این است؛ این مسئله‌ی «روایت درست حوادث» که بنده تأکید میکنم، این است که امروز با گسترش رسانه‌ها - که حالا امروز نسبت به آن روز اگر نگاه کنیم، نمیشود گفت صدها برابر، شاید هزارها برابر آن روز با این فضای مجازی و این ماهواره‌ها و این چیزهایی که امروز هست و آن روز نبود، قضیه تفاوت کرده - اهمیت مسئله هم به همین اندازه زیاد شده.

امروز یک سیاست قطعی رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی و معاند اسلام این است که واقعیتهای را تحریف کنند، و مشغولند؛ دائم دارند کار تحویل میدهند در تحریف واقعیتهای و دروغ‌پردازی؛ خبرهای مربوط به جمهوری اسلامی را با انواع و اقسام دروغها - دروغهای حرفه‌ای، دروغهایی که نشسته‌اند و روی آن کار کرده‌اند و حساب کرده‌اند - مشوب (۱۲) میکنند و آمیخته میکنند و چهره‌ی زشت و فاسد رژیم طاغوت را بزک میکنند و آرایش میدهند، و هزاران جنایت و خیانتی را که آنها کردند پوشیده نگه میدارند.

ساواک رژیم طاغوت محلی بود که انواع و اقسام شکنجه‌های سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا را در آنجا اعمال میکردند؛ بعضی‌ها را شاید آزمایش میکردند - به صورت آزمایشی - و خیلی از آنها را اعمال میکردند که عده‌ی بسیاری از آن کسانی که آن شکنجه‌ها را تحمل کردند، الان زنده‌اند و آثار آن شکنجه‌ها هنوز در جسم آنها باقی است، و دارند رنج می‌برند. این چهره‌ی خبیث و زشت و سرتاپا جنایت ساواک را هم حتی میخواهند تزئین کنند و آرایش کنند و به شکل دیگری نشان بدهند! یعنی مأمور آن روز ساواک که شاید بدنام‌ترین چهره در کشور بود، خاطره‌نویسی میکند و جوری حرف می‌زند که کأته ساواک - [یعنی] مرکز شکنجه و مرکز ظلم و مانند اینها - یک چهره‌ی روشن منوری دارد. متقابلاً در مورد انقلاب، هر چه میتوانند چهره‌ی انقلاب را، چهره‌ی امام را، فعالیت‌های این چهل سال را مخدوش میکنند؛ تا آنجایی که از عهده‌شان بر می‌آید سعی میکنند این را مخدوش کنند. از پیشرفتهای، از نقاط مثبت، نقاط قوت، مطلقاً نشانه‌ای در این مجموعه‌ی امپراتوری رسانه‌ای غرب شما مشاهده نمیکنید؛ کتمان حقایق. متقابلاً اگر یک نقطه‌ضعفی وجود دارد - که البته وجود دارد؛ هیچ کشوری و هیچ نظامی بدون نقطه‌ضعف نیست - یک نقطه‌ضعف کوچک را صد برابر بزرگ میکنند و نشان میدهند؛ این یک کار عجیبی است که امروز انجام میگیرد. به همین جهت است که «جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد تبیین» یک فریضه‌ی قطعی و یک فریضه‌ی فوری است و هر کسی که میتواند [باید اقدام کند]؛ و حالا عرض خواهم کرد که مسئولین در این زمینه بیشتر موظفند.



خب، قدرتهای غربی معروف به دیکتاتوری هستند دیگر، یعنی همینهایی که حالا به خیال خودشان، به ادعای خودشان با دیکتاتوری‌های دنیا میخواهند مقابله کنند، خودشان دیکتاتورترین‌ها هستند؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی اقتصادی، نسبت به همه‌ی دنیا دیکتاتوری به خرج میدهند. [امروز] یک قلم بر این دیکتاتوری‌ها افزوده‌اند و آن، دیکتاتوری رسانه‌ای است؛ دیکتاتوری رسانه‌ای. یعنی مثلاً فرض کنید که شما در مجموعه‌ی فضای مجازی اسم شهید سلیمانی را نمیتوانید بیاورید، حذف میکنند. در فضای مجازی که کلیدش دست آنها است و زیر کلید آنها است، تحمل اسم شهید سلیمانی را ندارند، تحمل عکس او را ندارند؛ امروز این جور است. البته قبلاً هم این دیکتاتوری‌ها بود. مرحوم حاج احمد آقا (رضوان الله علیه) برای ما نقل میکرد که امام یک پیام مفصلی - به نظر من پیام حج بود - داده بودند؛ حاج احمد آقا گفت من به فکر افتادم در آمریکا که میگویند آزادی بیان هست، این پیام امام را در یکی از مطبوعات آنجا پخش کنیم. میگفت پیغام دادم به دوستانمان که آنجا بودند، گفتم هر چه پول لازم باشد من در مقابل این میدهم [تا چاپ شود] - مثل اطلاعیه که پول میدهند پخش میکنم - گفت هیچ نشریه‌ای حاضر نشد این را چاپ کند. [علی‌رغم ادعای] آزادی بیان، بیان حقایق! حاضر نشدند اعلامیه‌ی امام را چاپ کنند. نویسنده‌ی کتابی درباره‌ی لانه‌ی جاسوسی که تفصیلات لانه‌ی جاسوسی را نوشته و جزو خود عناصر آنجا بوده، گفت ما در آمریکا با هر ناشری تماس گرفتیم که این را چاپ کند قبول نکرد، هیچ ناشری قبول نکرد؛ تا بالاخره رفتیم کانادا آنجا یک ناشری را پیدا کردیم او قبول کرد، بعد داشتند پشیمان‌ش میکردند؛ دائم تلفن، تهدید و مانند این چیزها. دیکتاتوری رسانه‌ای یعنی این؛ آن وقت ادعا میکنند که ما طرفدار آزادی بیان هستیم! امروز هر چیزی و هر کلمه‌ای که در ارتباط با سیاستهای غرب، معارض آن باشد یا همراه آن نباشد، ممنوع‌التصویر و ممنوع‌الانتشار است. آن وقت از همین فضا برای بزرگ‌نمایی مشکلات در جمهوری اسلامی یا درباره‌ی اسلام، درباره‌ی مفاهیم اسلامی، معانی معارف اسلامی، برای تخریب اینها و مخدوش کردن اینها حداکثر استفاده را میکنند و خب این یک واقعیت تلخی است، و وظیفه‌ای را بر دوش همه میگذارد.

عرض کردم متولیان رسانه‌ها در درجه‌ی اوّل مسئولند؛ چه رسانه‌ی ملی و چه سایر رسانه‌های گوناگون، چه فضای مجازی، چه مجموعه‌ی مطبوعات، همه موظفند در این زمینه وارد این میدان بشوند و هر کسی که یک مرکزی و منبری برای حرف زدن با افکار عمومی جامعه دارد، در این زمینه موظف است. در کشور هزاران حماسه به وجود می‌آید؛ در طول این سالها، در طول این چهار دهه در کشور چقدر کارهای بزرگ انجام گرفته، چقدر کارهای حماسه‌آمیز انجام گرفته! خب اینها بایستی بیان بشود؛ اینها را دشمن کتمان میکند، دشمن اجازه نمیدهد [پخش بشود]. در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های اقتصادی، در عرصه‌های عمرانی، در عرصه‌های آموزشی، در عرصه‌های بهداشت و درمان، در صنعت، در صنعت! آن روز یک جمعی از فعالان صنعتی اینجا بودند، (۱۳) گزارش میدادند - تعداد معدودی از آنها گزارش دادند - همراه گزارش آنها تصویر این فعالیتها هم نشان داده میشد اینجا در این حسینیه؛ حیرت‌آور بود؛ واقعاً حیرت‌آور است؛ هیچ خبری از اینها در مجموعه‌ی رسانه‌ای کشور نیست؛ این خیلی چیز عجیبی است. این همه کار دارد انجام میگیرد، این همه کارهای مهم، کارهای مفید، همه‌ی اینها حماسه است. در عرصه‌های عمرانی، در عرصه‌های دینی و فرهنگی، در عرصه‌های دفاعی و امنیتی، در عرصه‌های دفاعی و امنیتی.

حالا شما خودتان با مسائل و پیشرفتهای نیروی هوایی آشنا هستید دیگر، کارهایی را تولید کرده‌اید، کارهایی را ساخته‌اید، کدام از اینها در جامعه درست منعکس است؟ خب ما کم‌کاری داریم؛ در این زمینه‌ها واقعاً کم‌کاری داریم. و همینهایی که من الان گفتم - زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های دیپلماسی و سیاسی، فعالیت‌های عمرانی؛ این همه کار عمرانی در کشور - هر کدام از این سرفصل‌ها میتواند یک عنوانی باشد برای



فعالیت جهاد تبیین. و نباید گذاشت که برخی از مشکلات - خب کشور مشکلاتی دارد؛ مشکلات اقتصادی هست، مشکلات معیشتی هست- بر روی این حماسه‌ها گرد و غبار بنشانند و آنها را از چشم مردم پنهان کند. این مشکلات به جای خود محفوظ، و باید تلاش بشود تا مشکلات برطرف بشود؛ شکی نیست اما آن کارهای مهم و پیشرفتهای مهم، ساخت و سازهای مهم، فعالیت‌های ارزشمند در زمینه‌های گوناگون نبایستی فراموش بشود.

حرف آخر من این است که دشمنان ما، جبهه‌ی دشمن - چون دشمن یک جبهه است؛ یک جبهه‌ی عظیم است- امروز دست زده به یک تهاجم ترکیبی؛ تهاجم دشمن یک تهاجم ترکیبی است؛ یعنی جنبه‌ی اقتصادی در آن هست، جنبه‌ی سیاسی در آن هست، جنبه‌ی امنیتی در آن هست، جنبه‌ی رسانه‌ای در آن هست، جنبه‌ی دیپلماسی در آن هست - از همه جهت یک حمله‌ی ترکیبی دسته‌جمعی را شروع کرده‌اند- ما هم در مقابل بایستی حرکتیمان حرکت ترکیبی باشد؛ از همه جهت بایستی تلاش کنیم. البته دفاع باید بکنیم اما همیشه در موضع دفاعی نمیتوانیم بمانیم؛ این را باید توجه داشت. این که من میگویم باید دفاع کنیم، خب دفاع یک کار لازم است اما همیشه نمیشود در موضع دفاعی ماند؛ دشمن تهاجم میکند، ما هم باید تهاجم داشته باشیم؛ در زمینه‌های مختلف؛ هم در زمینه‌های رسانه‌ای، هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های امنیتی. اهل فکر در این زمینه‌ها مسئولند؛ کسانی که اهل فکرند، اهل کار و اقدامند، بخصوص مسئولان، در هر کدام از این عرصه‌ها که میتوانند بایستی تلاش کنند و ان شاء الله همچنان که بر خلاف خواسته‌ی دشمن و بر خلاف گمانهای آشفته‌ی دشمن، جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه، با قدرت پیش رفته و روزبه‌روز بحمد الله مستحکم‌تر و ریشه‌دارتر شده، در آینده هم همین حرکت ادامه پیدا خواهد کرد؛ به نظر من و ان شاء الله به توفیق الهی از گذشته هم بهتر حرکت خواهیم کرد و پیش خواهیم رفت و دشمن ناکام خواهد شد؛ منتها باید هر کدام وظیفه‌ی خودمان را در هر بخشی بدانیم.

شما در نیروی هوایی کارهای زیادی دارید، کارهای مهمی دارید که باید انجام بدهید؛ هم در زمینه‌ی اداری، هم در زمینه‌ی آموزشی، هم در زمینه‌ی عملیاتی؛ در زمینه‌های مختلف وظایف زیادی هست که باید اینها را ان شاء الله انجام بدهید. من بعضی را به فرمانده محترم گفته‌ام و در میان گذاشته‌ام و ان شاء الله دنبال خواهید کرد و فردای کشور از امروز کشور ان شاء الله بمراتب بهتر خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، سرتیپ حمید واحدی (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.

(۲) صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۱۰۱؛ سخنرانی در جمع همافران (۱۳۵۷/۱۱/۱۹)

(۳) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی به مناسبت سالروز قیام بیست‌ونهم بهمن مردم تبریز (۱۳۹۷/۱۱/۲۹)

(۴) سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «... و[لی] خدا از آنجایی که تصوّر نمیکردند بر آنان در آمد...»

(۵) ژنرال هایزر، ژنرال نیروی هوایی ارتش آمریکا بود که در چهاردهم دی ماه ۱۳۵۷ به منظور انجام کودتا و رهبری ارتش شاهنشاهی برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی وارد ایران شد و یک ماه بعد، با شکست پروژهی کودتا از ایران گریخت.

(۶) سوره‌ی طارق، آیات ۱۵ و ۱۶



- ۷) سوره‌ی طور، بخشی از آیه‌ی ۴۲
- ۸) دونالد ترامپ
- ۹) جو بایدن
- ۱۰) جبهه‌ی آزادی‌بخش ویتنام
- ۱۱) از جمله، بیانات در دیدار مذاحان اهل‌بیت ( ۱۴۰۰/۱۱/۳ )
- ۱۲) مخلوط
- ۱۳) دیدار تولیدکنندگان و فعالان صنعتی و اقتصادی کشور ( ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ )